

## فواید بازی در رشد اجتماعی و عاطفی کودک

کودکان در بازی می‌آموزند که چگونه می‌توانند از سوی افراد گروه پذیرفته شوند. به میزان توانایی‌های لازم برای موفقیت در گروه پی ببرند و با چگونگی استفاده از توانایی‌های دیگران برای رفع نیازهای خود آشنا می‌شوند.



کودکان در بازی می‌آموزند که چگونه می‌توانند از سوی افراد گروه پذیرفته شوند. به میزان توانایی‌های لازم برای موفقیت در گروه پی ببرند و با چگونگی استفاده از توانایی‌های دیگران برای رفع نیازهای خود آشنا می‌شوند.

به گزارش سرویس اندیشه خبرگزاری رسا، با توجه به اهمیت بازی در تربیت فرزند، لازم است که نسبت به جایگاه بازی و اهمیت آن هم از نگاه اهل بیت (ع) و هم از نگاه علم روان شناسی، این موضوع را بررسی کنیم.

بازی مقدمه‌ای برای عمل جدی و هدفمند است. در بازی، کودک به توانایی‌های خود در برقراری ارتباط با دیگران و قدرت زبانی، عقلی و جسمی نهفته در وجودش پی می‌برد. همچنین در هنگام بازی است که کودک از ویژگی‌های اشیای پیرامون خود شناخت دقیقی به دست می‌آورد. بنابراین بازی فوائد فراوانی برای کودکان خردسال داشته و از نیازهای ضروری او شمرده می‌شود.

رسول بزرگوار اسلام (ص) در حدیثی که مشیر به این مطلب است، می‌فرماید: «عمر امه الصبی فی صغره زیاده فی عقله فی کبره؛ بازیگوشی کودک در کودکی نشان فزونی عقل او در بزرگ سالی است.»

کودک از راه بازی، روش‌های تسلط بر خویش، کمک به دیگران و اعتماد به نفس را فرا می‌گیرد. همچنین بازی مایه شادی و سرور روحی کودک شده و استعدادها و شکوفا و توانایی‌های او را برای ابداع و نوآوری بارور می‌سازد.

چنانچه گفتیم باید تأکید کرد که بازی نیازی ضروری برای کودک است و در روایات بر اشباع نیاز کودک به بازی تأکید شده است؛ از این رو ما نمی‌توانیم کودکی را تصور کنیم یا ببینیم که بازی نمی‌کند. حتی پیامبران و شایستگان دیگر نیز از مرحله بازی گذر کرده‌اند؛ اگر چه چگونگی و شیوه‌های بازی آنان و افراد عادی تفاوت دارد.

## تعریف بازی

به فعالیت جسمی یا ذهنی هدف‌دار که به صورت فردی یا گروهی انجام شود و به ایجاد لذت و برطرف شدن نیازهای کودک بیانجامد بازی گویند. بازی کردن، نوعی استعداد فطری نزد کودک است که در خلال آن رهایی از انرژی زائد به او دست می‌دهد.

به بیان دیگر بازی تفکر کودک است؛ کودک هنگام بازی به آزمایش تقلید، مذاکره، آمادگی و مرور ذهنی موقعیت‌های زندگی واقعی می‌پردازد. او آنچه را در خانه می‌آموزد با انجام بازی، تکرار می‌کند و هنگام تکرار درباره آن می‌اندیشد.

## ضرورت بازی

نخست، چرا بچه‌ها باید بازی کنند؟

در جهان امروز بالاترین و بهترین تولید برای کشورهایی که بخواهند در دنیا حرفی برای گفتن داشته باشند، تولید فکر و ایده نو است. این مسأله ضرورت توجه به خلاقیت و پرورش آن را در کودکان و نوجوانان به خوبی نشان می‌دهد.

خلاقیت موهبتی است که در همه انسان‌ها به طور نهان وجود دارد، ولی شکوفایی و گسترش آن به مقدماتی نیازمند است که از جمله آن، فراهم کردن بستری مناسب برای بروز خلاقیت است که بازی یکی از بهترین بسترها است.

مورس ولاس در این زمینه می‌گوید: «هر کودکی استعداد نابغه شدن را دارد، مهم آن است که این حقیقت را باور کنیم و عوامل شکوفایی آن را فراهم سازیم.» مشاهدات گوناگون گویای آن است که کودکان از هنگام تولد، بازی را آغاز می‌کنند و با افزایش سن و دست یافتن به تجربه تنها نوع بازی خود را تغییر می‌دهند.

بدن کودک در آغاز زندگی مرکز بازی‌ها است. کودک با اعضای بدن خود بازی می‌کند و در واقع پیش از آن‌که ما به حرکت او به عنوان بازی توجهی داشته باشیم، او بازی خود را همراه با مجموعه‌ای از اکتشافات و تکرارها، تکان دادن اعضای حرکتی، ادراک حسی همراه با حرکات محیطی همانند صداها، مزه‌ها و... آغاز می‌کند.

بازی سرعت رشد ذهنی کودک را بالا می‌برد؛ از این‌رو آشنا کردن او با بازی و محرک بازی یکی از عواملی است که رشد شناختی کودک را آسان می‌کند. بازی برای رشد مهارت ذهنی عاملی اساسی به شمار می‌آید.

دوم، بازی و سلامت کودک

علاقه کودک به بازی نشان سلامت او است و اگر کودکی بازی نکند باید به سلامت او مشکوک شویم و در اندیشه درمانش

باشیم. انسان به حرکت و جنبش نیاز دارد و بازی بخش مهمی از این نیاز است. هر فرد برای رشد ذهنی و اجتماعی خود به اندیشیدن نیاز دارد و بازی خمیرمایه این اندیشه است.

آمادگی جسمی و روحی برای رویارویی با مشکلات بخشی از فلسفه بازی کودکان است. بنابراین هر چه گسترده‌تر، پیچیده‌تر و اجتماعی‌تر باشد، کودک مصونیت روانی بیشتری می‌یابد. کشف دنیای اطراف، بخش دیگری از فلسفه بازی است. کودک حس کنجکاوی خود را از این راه ارضا می‌کند.

به طور کلی می‌توان گفت: بازی عاملی برای تقویت فعالیت‌های ذهنی، عقلی، اجتماعی، عاطفی و سلامت کودک سالم است. کودک سالم به بازی عشق می‌ورزد. به حقیقت با آن زندگی می‌کند و دنیایی جز دنیایی بازی نمی‌شناسد.

اهمیت بازی از دیدگاه اسلام

بازی کودکان در روایات

امام صادق(ع) فرموده‌اند: «دَع ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سَنِينَ؛ بگذار پسترت تا هفت سالگی بازی کند.» این سخن با تعبیر دیگری از پیامبر اکرم(ص) نیز رسیده: «الْوَلَدُ سَيِّدُ سَبْعِ سَنِينَ؛ فرزند تا هفت سالگی سروری می‌کند.»

امیرمؤمنان(ع) می‌فرمایند: «یرخی الصبی سبعا؛ تا هفت سالگی بر کودک سخت‌گیری نمی‌شود.» امام صادق(ع) در روایت دیگری می‌فرمایند: «بگذار فرزندت تا هفت سالگی بازی کند. در هفت سال دوم به او ادب بیاموز و در هفت سال سوم مراقبتش باش.»

روایات بر این نکته تأکید دارند که مرحله پیش از هشت سالگی، مرحله بازی است و وظیفه پدران و مادران این است که بی‌هیچ فشار و اجباری کودک را در بازی کردن آزاد بگذارند. البته جز در بازی‌های خطرناکی که باید کودکان را از آنها بازداشت که در ادامه به این بحث بیشتر می‌پردازیم.

بازی کردن اهل‌بیت(ع) با کودکان

ابی‌سعید خدری چنین روایت می‌کند: «حسن و حسین(ع) کودک بودند. روزی رسول خدا(ص) آنان را در حال بازی دید. هر دو را بلند کرد؛ یکی را بر شانه راست خود گذاشت و دیگری را بر شانه چپش. مردی به آنان گفت: بچه‌ها خوب مرکبی دارید. پیامبر(ص) فرمود: اینان خوب سوارانی‌اند. به راستی این دو کودک، ربحانه‌های من در دنیایند.»

عبدالله بن زبیر می‌گوید: «به شما خبر می‌دهم که شبیه‌ترین و محبوب‌ترین مردمان نزد رسول خدا(ص)، حسن بن علی(ع) بود. او را دیدم که آمد و بر گردن و پشت حضرت رسول(ص) در حال سجده سوار شد. پیامبر(ص) نیز کاری به او نداشت تا آنکه خود فرود آمد. گاه نیز می‌آمد و رسول خدا(ص) در حال رکوع بود. حضرت پاهایش را می‌گشود تا حسن از یک سوی وارد و از سوی دیگر خارج شود.»

## روان شناسی بازی

بر پایه یافته‌های روان شناسی، شش سال نخست زندگی انسان دوران مهمی از زندگی او به شمار می‌آید و زیرساخت شخصیت او را برای همه عمر تشکیل می‌دهد. برای این فرآیند پرورش، ما فرصت بسیار کوتاهی داریم؛ فرصتی به مدت شش سال نخست زندگی از هنگام تولد تا آغاز هفت سالگی.

از آنجا که رشد هوش پس از شش سالگی به کندی می‌گراید و در هفده سالگی متوقف می‌شود، همه زمانی که برای پرورش هوش در اختیار داریم، همین شش سال نخست زندگی است.

هوش، همچون دیگر امور آموختنی است، ولی نه آموزشی مستقیم و مدرسه‌ای، بلکه با بهره‌گیری از روش‌های ویژه. ارتقای هوش را از هنگام تولد و ماه‌های نخست زندگی نوزاد می‌توان آغاز کرد، ولی برای نوزادی که امکان خواندن، فهمیدن و نوشتن ندارد، انجام چنین کاری چگونه ممکن است؟

همه چیزهایی که باید به ذهن کودک زیر هفت سال وارد شود، تنها و تنها از راه حس و تجربه عینی امکان پذیر است. چنین آموزشی شکل بازی به خود می‌گیرد؛ چرا که انسان در این سن هنوز از هوش انتزاعی بی‌بهره است.

بازی برای کودک زیر هفت سال یک مدرسه است. روان شناسی بازی، به شناخت، کاوش و معرفی این مقوله می‌پردازد. بسیاری از مادران نمی‌دانند با کودکی که لجوج، گستاخ، گوشه‌گیر، دیرآموز یا حتی بیش فعال هستند، چگونه رفتار کنند. روان شناسی بازی، مادران و پدران را در این زمینه تجهیز و به آنان کمک می‌کند شیوه‌های تربیت فرزندی سالم و موفق را به دست آورند.

با دستیابی به روش‌های اصولی پرورش، می‌توان از بسیاری مشکلات رفتاری کودک جلوگیری و با ارتقای هوش او، زمینه‌های زندگی موفقیت آمیز وی را فراهم کرد. به گونه‌ای که اگر موقعیت ژنتیکی مناسبی داشته باشد، به سادگی می‌توان از او یک نابغه ساخت.

رفتار با کودک نیز همانند هر تکنیک دیگری آموختنی است. تنها کافی است برای به دست آوردن و کاربرد آن انگیزه داشته باشیم و چه انگیزه‌های بالاتر از این که فرزندان خوشبخت و جامعه‌ای سعادتمند داشته باشیم؟ بیان این واقعیت به هیچ روی مبالغه نیست که میان مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... توجه به زیرسازی روانی انسان در شش سال نخست زندگی از همه کارهای دیگر مهم‌تر است.

جای بسی شگفتی است! در حالی که ساعت‌ها و روزها را برای فراگیری یک زبان خارجی، دوخت نوعی لباس یا آشپزی صرف می‌کنیم، به فراگیری روش‌هایی برای تربیت کودکانی که باید در آینده خوشبخت و موفق باشند، در حد یک کلاس گل‌آرایی هم اهمیت نمی‌دهیم.

## فواید و کارکردهای بازی

بازی فواید و کارکردهای فراوانی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. روشن است که در این مختصر، امکان اشاره به همه آن‌ها نیست.

### نخست، نقش بازی در رشد اجتماعی

از بازی برای پرورش و رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان به شکل گسترده‌ای می‌توان استفاده کرد. در بازی‌های گروهی و مانند آن کودک سازش اجتماعی، همکاری، همدلی، وفاداری، تحمل عقاید مخالف، گذشت و توانایی تأثیرگذاری و نفوذ در دیگران را می‌آموزد.

آدلر از روان‌شناسان بزرگ می‌گوید: «همه رفتارهای انسان در یک زمینه اجتماعی رخ می‌دهد.» انسان بنا بر نیازهایی که دارد، ناچار است با دیگران رابطه داشته باشد. پس باید مهارت‌های بهتر زیستن را فراگیرد. کودک در خلال بازی محیط اطراف خود را کشف می‌کند. نخستین گام‌ها را برای اجتماعی شدن بر می‌دارد. مشارکت با گروه را فرا می‌گیرد و چگونگی تأثیرگذاری بر دیگران و تأثیرپذیری را می‌آموزد.

کودکان در بازی می‌آموزند که چگونه می‌توانند از سوی افراد گروه پذیرفته شوند. به میزان توانایی‌های لازم برای موفقیت در گروه پی ببرند و با چگونگی استفاده از توانایی‌های دیگران برای رفع نیازهای خود آشنا می‌شوند. برخی دیگر از فواید بازی در رشد اجتماعی کودک از این قرارند:

نخست، بازی موجب ایجاد ارتباط کودک با محیط بیرون می‌شود و دنیای اجتماعی او را گسترش می‌دهد.

دوم، سبب شکوفایی استعدادهای نهفته و رشد خلاقیت می‌شود.

سوم، حس همیاری، همکاری و مشارکت را در کودک بالا می‌برد.

چهارم، کودک را با راه و روش رعایت اصول و مقررات آشنا می‌سازد.

پنجم، همانندسازی با بزرگسالان را به وی می‌آموزد.

ششم، رقابت را به کودک می‌آموزد و موجب می‌شود که او شکست را به طور واقعی تجربه کند.

هفتم، قدرت ابراز وجود و رهایی از ترس، کم رویی و خجالت بیهوده را ایجاد کنند.

دوم، نقش بازی در رشد عاطفی کودک

بازی بهترین وسیله برای رشد و شکوفایی احساسات کودک و مهم‌ترین راه برای پرورش هیجان‌ها و عواطف اوست. حین بازی است که او چگونگی بروز عواطف و کنترل آن‌ها را می‌آموزد؛ هر چند کودک میان واقعیت و بازی فرق می‌گذارد و صداقت کودکانه را در بازی ظاهر می‌کند. احساس‌ها، تشویش‌ها و اضطراب‌های کودک هنگام بازی حقیقی‌اند.

کودکانی که فرصت بازی‌های گروهی را دارند، احساس‌های همدلانه بیشتری را بروز می‌دهند. پژوهشگران در یک بررسی، کودکان پیش دبستانی را دیدند که زمینه‌های مناسب را برای بازی و ابراز احساس‌های همدلانه نداشتند.

این کودکان در قیاس با کودکانی که در محیطی مناسب به سر می‌برده و از امکانات مطلوبی برای بازی کردن برخوردار بوده‌اند، رشد عاطفی کمتری داشتند که به طور خلاصه می‌توان گفت:

نخست، بازی‌های مناسب تمایل به ستیزه جویی و جنگجویی را کاهش می‌دهد.

دوم، بر برون‌نگری کودک می‌افزاید.

سوم، نیاز به برتری جویی را ارضا می‌کند.

چهارم، موجب بروز احساسات، عواطف، ترس‌ها و تردیدها، مهر و محبت‌ها، خشم‌ها، کینه‌ها و نگرانی‌ها می‌شود.